



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است.  
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی www.wikifeqh.ir مراجعه فرمایید.

## مقولات عشر

بیشتر انسانها وقتی با موجود جدیدی رو به رو می‌شوند و با مفهوم تازه‌ای را درک می‌کنند، به طور طبیعی تلاش می‌کنند میل این موجود جدید و داده‌های گذشته خود ارتباط برقرار کرده و موضوع جدید را در دسته بندی‌هایی قبلی **ذهن** خود جای دهند؛ مثلا وقتی "قارچ‌ها" برای اولین بار کشف شدند به دلیل شکل و رنگی که داشتند بیشتر دانشمندان تصور می‌کردند قارچ‌ها دسته‌ای از **گیاهان** هستند، اما به مرور زمان و با کشف نحوه **تولید مثل** قارچ‌ها معلوم شد این موجودات نه جزء گیاهان هستند و نه جزء **حیوانات** بلکه قارچ‌ها برای خود دسته‌ای جداگانه در **جانوران** تشکیل می‌دهند.

### فهرست مندرجات

۱ - تقسیم بندی کلی از عالم

۲ - تاریخچه

۲.۱ - نظر به این سینا

۳ - تعریف

۳.۱ - اجناس عالییه

۳.۲ - مقوله‌های دهگانه

۴ - تقسیم بندی

۵ - مقولات دهگانه

۵.۱ - جوهر

۵.۲ - اعراض

۵.۲.۱ - کم

۵.۲.۲ - کیف

۵.۳ - وضع

۵.۴ - این

۵.۵ - متی

۵.۶ - ملک (جده، له)

۵.۷ - فعل

۵.۸ - انفعال

۵.۹ - اضافه

۶ - یانویس

۷ - منیع

تقسیم بندی کلی از عالم

**فلاسفه** و **منطق** دانان گذشته به دلیل اینکه چنین فرایندی را برای شناخت موجودات جدید و تعریف موضوعات تازه صحیح و قابل اعتنا می‌یافتند، تلاش بسیاری نمودند تا بتوانند تقسیم بندی صحیح و کاملی از تمامی موجودات عالم برای خود و دیگران ارائه کنند، تا به این وسیله انسانها زمانی که با یک موجود جدید رو به رو می‌شوند، به **سرعت** و **دقت** بتوانند آن را **مقایسه** و شناسایی کرده و به خصوصیاتش پی ببرند. این تلاش‌های فلاسفه و منطق دانان بحثی به نام "مقولات عشر" را در منطق و **فلسفه** بوجود آورد که در آن سعی شده همین تقسیم بندی کلی از عالم بیان شود.

### تاریخچه

رساله "**قائمیغوریلین**" یا "مقولات عشر" تا پیش از آنکه "**فرفور یوس**" بخش "کلیات خمس" را به ابتدای "**ارغنون**" اضافه کند، به عنوان اولین بخش کتب ارغنون و یکی از مهمترین رساله‌های منطقی **ارسطو** شناخته می‌شد؛ البته بعضی از منطق دانان در انتساب "قائمیغوریلین" به ارسطو تردیدهایی کرده بودند اما بیشتر شارحان **آثار** وی، این انتساب را پذیرفتند و شرح‌های خود را با همین **کتب** آغاز کردند.  
در دوره‌ای از **فرون وسطی** که **کلیسا** تدریس منطق و فلسفه را ممنوع اعلام کرده بود، پس از **زمان** کوتاهی تدریس مقولات عشر را **جایز** شمرد زیرا احساست می‌کرد مطالب این بخش با تعالیم کلیسا سازگاری دارد؛ بنابراین پس از مدتی عده‌ای تصور می‌کردند مقولات عشر اصلی‌ترین بخش منطق و شاید تمام آن است؛ به همین دلیل پس از اینکه "فرفور یوس" بلب "ایساغوجی" یا "**کلیات خمس**" را به منطق اضافه کرد، تصور عده‌ای بر این شد که "کلیات خمس" مقدمه‌ای برای بلب مقولات عشر است و نه کل منطق.

این توجه به مقولات عشر و تاکید بر آن در علم منطق تا **زمان** ورود منطق به عالم **اسلام** ادامه داشت، اما طولی نکشید که منطق دانان **مسلمان** مباحثی را در موضوع و محدوده **علم** **منطق** بیان کردند و " **ابن سینا** " که شاید بزرگترین منطق دان مسلمان به حساب می‌آید، برای اولین بار ادعا کرد: "نیازی به "مقولات عشر" در منطق نیست و دانشجوی منطق بدون دانستن مقولات دهگانه نیز می‌تواند منطق بخواند!"

[۱۱] ابن سینا، الشفاء، کتب المنطق، المقولات، تصدیر دکتر ابراهیم منکور، انتشارات مرعشی نجفی، قم، ۱۳۶۴، ص ۵.

این نظریه ابن سینا مورد پذیرش شارحان و منطق دانان قرار گرفت و استدلال او بر این موضوع بعدها توسط **خواجه نصیر الدین طوسی** بیشتر شرح و **تبیین** شد؛

[۱۲] طوسی، محمد بن الحسن، شرح الاشارات و التنبیها، قم، انتشارات مطبوعات دینی، چپ اول، ۱۳۸۴، جاول ص ۱۶۳.

بر همین اساس با اینکه خود ابن سینا مقولات عشر را در کتابهای منطقی خود نکر کرده بود، اما با گذشت زمان بحث مقولات عشر کم کم از کتب منطقی حذف شد و امروزه به طور کلی در فلسفه از مقولات عشر بحث می‌شود و نه در منطق.

## تعریف

برای تعریف "مقولات عشر" اول باید دانست که "مقولات" جمع "مقوله" است که در **لغت** به معنای "گفته شده" می‌باشد، اما در **اصطلاح** منطقیین و فلاسفه به هر موضوعی که گفته بشود "مقوله" نمی‌گویند، بلکه تنها به آنچه در جواب سوال "ما هو" گفته می‌شود "مقوله" می‌گویند؛

[۱۳] شهابی، محمود، رهبر خرد، قم، انتشارات عصمت، چپ دوم ۱۳۸۲ ص ۵۷.

به عبارت ساده تر زمانی که ما از چیستی یک شیء می‌پرسیم درباره "مقوله" آن شیء سوال کرده‌ایم و پاسخی که می‌شنویم همان "مقوله" آن شیء است؛ برای مثال کسی که تا کنون " فنج " ندیده و از چیستی "فنج" می‌پرسد به او می‌گویند **فنج** یک **پرنده** است، یعنی پرنده مقوله‌ای است که فنج یکی از انواع آن است و به همین ترتیب همه اشیاء به نوبه خود دارای یک مقوله هستند.

## ← اجناس عالیه

حال اگر همان شخص تا به حال پرنده نیز ندیده باشد و از چیستی پرنده بپرسد در جوابش می‌گویند پرنده یک جانور است که ویژگی‌های خاصی مانند توانایی پریدن دارد؛ بنابراین پرنده نیز به نوبه خود "نوعی" از یک مقوله بالاتر به نام "جانور" است و به همین ترتیب هر مقوله "زیر مجموعه" یا یک "نوع" برای "مقوله‌ای" بالاتر است؛ این سلسله مقولات همین طور بالا می‌رود تا آنجا که به مقوله‌ای برسیم که این مقوله دیگر نوعی برای هیچ مقوله بالاتر از خود نباشد، به تعبیر دیگر این مقوله خود نقطه شروع مقوله‌ها باشد و بالاتر از آن دیگر مقوله‌ای نتوان یافت؛ به این مقولات که دیگر بالاتر از آنها هیچ مقوله‌ای نیست "ماهیت اولیه" یا "اجناس عالیه" می‌گویند.

## ← مقوله‌های دهگانه

**ارسطو** برای اولین بار در رساله "قسطیغوریلس" ادعا کرد "ماهیت اولیه" یا "مقولات اولیه"، ده مقوله بیشتر نیستند و تمام مقولات دیگر از همین ده مقوله سرچشمه می‌گیرند. در زمان ترجمه رساله قسطیغوریلس به عربی، نام این **کتب** را به دلیل ده مقوله بودن این ماهیت، از قسطیغوریلس به "مقولات عشر" یا "مقوله‌های دهگانه" تغییر دادند و این مقولات در **زین عربی** به "مقولات عشر" معروف شدند.

البته در تعداد واقعی **اجناس عالیه** اختلاف‌های اساسی وجود دارد و عده‌های بسیار متفاوتی برای این مقولات بیان شده است بعضی تنها چهار مقوله را پذیرفته‌اند و بعضی دیگر تا بیست و چهار مقوله پیش رفته‌اند،

[۱۴] شهابی، محمود، رهبر خرد، قم، انتشارات عصمت، چپ دوم ۱۳۸۲ ص ۶۱.

خود ارسطو نیز در دیگر رساله‌های خود تعداد مقولات را کمتر از ده مقوله بیان کرده است، اما به هر حال تعداد ده مقوله در بین اکثر منطق دانان مورد قبول واقع شد و مقولات دهگانه به عنوان اجناس عالیه پذیرفته شد.

## تقسیم بندی

ارسطو مقولات را در نگاه اول به دو دسته تقسیم بندی کرد؛ اول مقوله‌هایی که برای وجود داشتن متکی به چیز دیگری نیستند مانند تمام اجسام و حیوانات مثل **چوب**، **سنگ**، **پرنده** و ... اینها همه مقوله‌هایی هستند که به خودی خود قابل تصورند و نیاز به چیز دیگری ندارند، اما دسته دوم مقوله‌هایی هستند که حتما باید به وسیله شیء دیگر تصور شوند. به طور مثال رنگ از دسته دوم است یعنی رنگ به تنهایی نمی‌تواند وجود داشته باشد بلکه حتما یک شیء لازم است تا رنگ برای آن شیء مشخص شود و اگر هیچ شیئی وجود نداشته باشد رنگ بی معناست؛ اندازه، حجم و ... نیز مانند رنگ از مقوله‌های دسته دوم هستند.

در نظر ارسطو تمام مقوله‌های دسته اول به یک مقوله اساسی باز می‌گردند که ارسطو به این مقوله "اوسیا" یا "**جوهر**" می‌گوید

[۱۵] سعیدی مهر، محمد، جایگاه مقولات در منطق ارسطو، مجله کیهان اندیشه، شماره ۷۱ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶، ص ۱۳۹.

و مقولات دسته دوم که مقوله‌های غیر متکی به خود هستند به نام "**عرض**" خوانده می‌شوند و در کل به نه مقوله باقیمانده از مقولات عشر باز می‌گردند، بنابراین مقولات عشر عبارتند از جوهر و نه "عرض" که **مفهوم** هر یک از آنها به صورت خلاصه و کوتاه بیان می‌شود.

## مقولات دهگانه

## ← جوهر

همانطور که گفته شد "جوهر" اولین مقوله از مقولات دهگانه است که مقوله‌های تمام اشیاء و حیوانات به آن منتهی می‌گردند؛ بنابراین اگر سلسله مقوله‌های هر یک از اجسام و جانداران

را تا انتها پیش برویم در آخر به مقوله "جوهر" می‌رسیم؛ یعنی "جوهر" آن چیزی است که درون مایه و اصل تمام موجودات مستقل و جانداران است. منطق دانان برای جوهر در مرتبه اول پنج نوع مشخص کرده و سپس هر نوع را به انواع مختلف تقسیم بندی می‌کنند تا این تقسیم تمام اجسام و جانداران را شامل شود و جایگاه هر موجود نسبت به جوهر و دیگر موجودات روشن شود.

## ← اعراض

### ← کم

اولین مقوله از اعراض "کم" است که معنای لغوی آن "اندازه" و "مقدار" می‌باشد.

[۱۲] فرهنگ لغت معین، ذیل کلمه "کمیت".

بنابراین هر مقوله عرضی که دارای مقدار بوده یا قابل اندازه گیری باشد از جنس مقوله "کم" به حساب می‌آید، مانند اعداد، محیط، وزن و... که همگی قابل اندازه گیری و دارای مقدار هستند.

### ← کیف

دومین مقوله از اعراض "کیف" است که کلمه "کیفیت" در فارسی نیز از همین ریشه گرفته شده است؛ "کیف" در لغت به معنای حالت و چگونگی است و هر مقوله‌ای که به حالت یا چگونگی باز گردد از مقوله کیف خواهد بود؛ به عنوان نمونه سردی یا گرمی اشیاء و یا سفیدی و سیاهی آنها حتی غمگینی و خوشحالی افراد همگی از مقوله کیف هستند.

### ← وضع

سومین مقوله "وضع" است که کلمه "وضعیت" در فارسی از همین لغت گرفته شده است و در اصطلاح به معنای نسبت یک شیء با دیگر اشیاء و یا نسبت هر جزء با جزء دیگر است؛ برای نمونه از مقوله وضع می‌توان از راست بودن یا خمیده بودن و یا تمام ویژگی‌هایی که دارای شدت و ضعف هستند

[۱۳] طوسی، محمد بن الحسن، اساس الاقباس، مصحح مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۶، ص ۴۹. نام برد.

### ← این

این در زبان عربی به معنای کجا و کدام مکان است اما در اصطلاح مقولات عشر به معنای "در جا و مکان مشخصی قرار گرفتن" بکار می‌رود. بنابراین هر مقوله‌ای که به جا و مکان اشیاء باز گردد از مقوله این به حساب می‌آید. به طور مثال بالا بودن یا درون چیزی بودن و یا زیر چیزی بودن و... همگی از مقوله این هستند.

### ← متی

متی نیز مانند این یک لغت پرسشی در زبان عربی است و به معنای کی و چه وقت به کار می‌رود اما در اصطلاح مقولات عشر به معنای "در زمان خاصی بودن" به کار می‌رود پس مقوله‌هایی که مربوط به زمان اشیاء می‌شود در انتها به مقوله متی باز می‌گردند به عنوان مثال دیر بودن، زود بودن یا در ساعت خاصی بودن، همگی از مقوله "متی" هستند.

### ← ملک (جده، له)

مقوله بعدی "ملک" است که کلمه "ملکیت" در فارسی از همین لغت گرفته شده و به معنای دارا بودن و همراه بودن است؛ به عنوان مثال دارای لباس بودن، صلح خانه بودن و... که حکایت از یک نسبت ملکیت بین دو موجود می‌کند همگی از مقوله "ملک" هستند.

### ← فعل

"فعل" یا "ان یفعل" یکی دیگر از مقولات عشر است که به معنای تاثیر گذاری یک شیء بر شیء دیگر است یعنی هر اتفاقی که در عالم رخ می‌دهد به لحاظ فاعلی از جنس مقوله "فعل" است به عنوان نمونه فعل آتش زدن، زدی کردن و... .

### ← انفعال

انفعال یا ان یفعل دقیقاً مقابل فعل است و به معنای تاثیر پذیری است پس هرگاه مقوله فعل وجود داشته باشد حتماً مقوله انفعال نیز هست، بنابراین تمام مثال‌هایی که برای فعل گفته شد در حالت مفعولی مثال برای انفعال است مانند آتش گرفتن، دزدیده شدن و...

### ← اضافه

"اضافه" یا "مضاف" یکی دیگر از مقولات عشر است که از اهمیت زیادی برخوردار است و در صورت لزوم می‌تواند تمام نه مقوله دیگر را در بر بگیرد؛ مقوله "اضافه" یعنی موضوعی در نسبت با موضوع دیگر معنی و مفهوم پیدا کند، به طور مثال پدر بودن تنها زمن معنی می‌دهد که فرزند وجود داشته باشد و گرنه پدر بودن بی معنی است بنابراین رابطه پدر و فرزند یک رابطه "اضافی" است، یا پر رنگ بودن زمانی معنی می‌دهد که رنگی باشد و گرنه پر رنگی بی معنی است پس پر رنگی نیز یک مقوله اضافی است. [۸] طوسی، محمد بن الحسن، شرح الاشارات و التنبیهات، قم، انتشارات مطبوعت دینی، چاپ اول، ۱۳۸۴، جاول ص ۶۰.

#### پانویس

۱. [↑](#) ابن سینا، الشفاء، کتاب المنطق، المقولات، تصدیر دکتر ابراهیم مدکور، انتشارات مرعشی نجفی، قم، ۱۳۶۴، ص ۵.
۲. [↑](#) طوسی، محمد بن الحسن، شرح الاشارات و التنبیهات، قم، انتشارات مطبوعت دینی، چاپ اول، ۱۳۸۴، جاول ص ۱۶۳.
۳. [↑](#) شهابی، محمود، رهبر خرد، قم، انتشارات عصمت، چاپ دوم ۱۳۸۲ ص ۵۷.
۴. [↑](#) شهابی، محمود، رهبر خرد، قم، انتشارات عصمت، چاپ دوم ۱۳۸۲ ص ۶۱.
۵. [↑](#) سعیدی مهر، محمد، جایگاه مقولات در منطق ارسطو، مجله کیهان اندیشه، شماره ۷۱ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶، ص ۱۳۹.
۶. [↑](#) فرهنگ لغت معین، ذیل کلمه "کمیت".
۷. [↑](#) طوسی، محمد بن الحسن، اسلس الاقتباس، مصحح مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۶، ص ۴۹.
۸. [↑](#) طوسی، محمد بن الحسن، شرح الاشارات و التنبیهات، قم، انتشارات مطبوعت دینی، چاپ اول، ۱۳۸۴، جاول ص ۶۰.

#### منبع

[سایت بزرگ و هه برگرفته از مقاله «مقولات عشر».](#)

رده‌های این صفحه: [مقولات](#) | [منطق](#)